

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی

۱۱/۰۱/۰۵

## کشتن پناهجویان افغانی توسط

## مرزداران حکومت اسلامی را محکوم کنید!

پولیس مرزی حکومت اسلامی ایران، شماری از پناهجویان افغانی را در مرز ایران و افغانستان به گلوله بست. فلم و تصاویر تکان دهنده نشان می دهند در حالی که برخی از زخمی ها تکان می خورند و زنده اند اما مأمورین حکومت اسلامی، با خونسردی نظاره گر جان دادن آن ها هستند. این اقدام وحشیانه حکومت اسلامی را باید با صدای بلند محکوم کرد.

مقامات افغانستان گفته اند که تصاویر پخش شده از پناهجویان کشته و زخمی شده در ایران را بررسی می کنند، اما سفارت ایران در کابل این تصاویر را «ساختگی» دانسته است.

محمد دهقانی، مسوول مطبوعاتی سفارت ایران در کابل گفته است: «این تصاویر و این خبرها چرا همیشه از تلویزیون طلوع پخش می شوند؟ چنین چیزهایی را خود ما نشنیده ایم.»

او افزود: «متأسفانه از تلویزیون طلوع همیشه خبرهای منفی پخش می شود که معمولاً برای ما خیلی عجیب است. ما این موضوع را اصلاً نشنیده ایم، چنین چیزی را رد می کنیم و تکذیب می کنیم.»

اخیراً یک شبکه تلویزیونی خصوصی در افغانستان، تصاویری را از پناهجویان افغانی در مرز ایران را نشان داده که بر روی جاده ای کشته و زخمی افتاده اند.

شبکه تلویزیونی «طلوع نیوزم، این تصاویر را جمعه شب پخش کرد، اما تاریخ دقیق وقوع این جنایت مشخص نیست.

در این تصاویر، جسد های شماری از پناهجویان افغانی در مرز ایران در نزدیک جاده ای اسفالت شده افتاده اند و موتور و ماشین گشت نیروهای پولیس مرزی ایران و سربازان ایرانی در نزدیک این اجساد ایستاده اند و به اجساد و زخمی های افغان نگاه می کنند.

در این تصاویر، برخی از افغانی های زخمی در حال تکان خوردن هستند، اما ظاهراً مأمورین ایرانی حاضر در صحنه به این زخمی ها توجهی ندارند.

این اولین بار نیست که مامورین مرزی حکومت اسلامی، پناه جویان بی دفاع افغانی را که از جهنم جنگ می گریزند در مرز به گلوله می بندند. در سنبله [شهریور ماه] سال جاری نیز سه پناه جوی افغانی با تیراندازی مامورین مرزی حکومت اسلامی جان باخته بودند.

مقامات ولایت نیمروز گفته بودند، مرزبانان ایران سه پناه جوی افغانستان را که قصد عبور از مرز را داشتند به ضرب گلوله کشته و چهار تن دیگر شان را زخمی کردند.

شماری از زخمیان این رویداد که به بیمارستانی در هرات انتقال داده شدند، گفته اند: «هنگامی که آنان می خواستند از مرز ولایت نیمروز به سوی خاک ایران بروند سربازان ایرانی بر آنان شلیک کردند.»

عبدالجبار پردلی، قومندان پولیس ولایت نیمروز نیز این رویداد را تأیید کرده، خواهان پیگیری قانونی این رویداد شد.

قربانیان گفتند که آنان برای کارگری به ایران می رفتند و هنوز داخل خاک آن کشور نشده بودند که سربازان ایرانی بدون هشدار بر آن ها تیراندازی کردند. این افراد افزودند که مرزبانان ایرانی پول ها و دیگر اشیائی را که باخود داشتند به سرقت بردند.

قومندان پولیس ولایت نیمروز، گفت: «همه روزه چند پناه جوی افغان که قصد رفتن غیرقانونی به ایران را دارند توسط مرزبانان این کشور کشته و یا زخمی می شوند.»

سال گذشته یک گروه از مهاجران افغان که می خواستند به شکل قاچاق وارد ایران شوند در بین کانتینر جان شان را از دست دادند.

عبدالکریم، یکی از پناه جویانی که این زخمی ها را تا بیمارستان هرات رسانده بود، گفت: چندین شهروند دیگر افغان در ساحات مرزی خاک ایران کشته و یا زخمی افتاده اند و به آنان هیچ رسیدگی نمی شود.

پیش از این نیز چنین رویداد هائی در مرز میان افغانستان و ایران رخ داده است و مقامات ایرانی در بیش تر رویدادها، این افراد را قاچاق بر خوانده اند.

بیش از سه دهه است که اتباع افغانستان در ایران زندگی می کنند و طبق قانون جمهوری اسلامی، هیچ یک از مهاجرین افغان حق خرید اموالی که نیازمند حق مالکیت باشد اعم از ملک، خانه، ماشین، موتورسیکلت، سیم کارت و غیره ... را ندارند. اما این مقررات شامل حال افغانی های پولدار و یا آن هائی که عضو آن بخش از گروه های مذهبی افغانی هستند که با حکومت اسلامی رابطه حسنه دارند، نمی شود. آن ها، از حقوق ویژه برخوردارند.

کارگر پناهنده و مهاجر افغانستان در ایران به کارهای سختی مشغولند و نیروی کار بسیار بسیار ارزان کارفرمایان ایرانی هستند. به آن ها دست مزد کمی پرداخت می شود و از هیچ گونه مزایائی برخوردار نیستند. آن ها از زن و مرد و کودک، ساعات طولانی در کار گاه های تولیدی سنگ بری، تراش کاری، لباس، کیف، کفش، نجاری، مکانیکی، پلاستیک، تراشکاری صنعتی و دفاتر نقشه کشی راه و ساختمان، بنائی، سنگ و کاشی کاری، گچ کاری، و معماری ساختمان های چندین طبقه و غیره کار می کنند. این کارگران را در همه جای ایران و در همه بخش های کار به ویژه کارهای سخت و پرخطر می توان دید.

از لحاظ اقتصادی، اکثریت مهاجرین افغانی کارگری ساده هستند قطعاً با حذف سوبسیدهای دولتی، بیش تر این کارگران کار خود را از دست خواهند داد و با افزایش شدید کالاهای مصرفی نیز در معرض گرسنگی قرار خواهند گرفت.

از سوی دیگر، با اجرای طرح آمایش ۶ هر مهاجر افغانی مجبور به پرداخت مبلغ شصت هزار تومان بابت عوارض شهرداری، پانزده هزار تومان به حساب دولت و دو هزار تومان بابت صدور کارت مهاجرت می باشند. با حذف سوبسیدهای دولتی، قیمت نان دو و نیم برابر گران شد در حالی که دست مزد کارگران و کارمندان ثابت مانده است قطعاً وضع کارگران افغانی، بسیار وخیم تر از هم طبقه ئی های ایرانی شان است.

مشکلات مهاجران افغان در ایران در زمینه های حق تحصیل، شناسنامه و هویت، ازدواج و هم چنین تبلیغات منفی رسانه ها و مقامات حکومت علیه آن ها نیز نگران کننده است.

حتی کودکان افغانی نیز در ایران، هیچ گونه حق و حقوقی ندارند. اکرم خاتم، یک فعال حقوق کودک به خبرگزاری ایلنا، گفته است ۴۰۰ هزار کودک مهاجر هنوز در مدارس ثبت نام نشده اند.

کودکان مهاجران «غیرقانونی» را به مدارس ایرانی راه نمی دهند و مدارس خودگردان آن ها را هم پلمب می کنند. کریمی، دبیرکل «کمیسسیون ملی آیسسکو»، درباره وضعیت تحصیلی کودکان افغانی مقیم ایران به ایسنا، گفت: مدارس که تحت عنوان «خودگردان» مشغول به کارند، غیرقانونی است و وزارت کشور طی بخشنامه ای اعلام کرده این مدارس به علت نداشتن مجوز، اجازه فعالیت ندارند. دبیرکل به گونه ای از مدارس خودگردان حرف می زند که گوئی این مدارس محل جرم و جنایتند. کریمی گفت: «در سال های گذشته تعدادی مراکز و مدارس خودگردان که از طریق اداره نظارت بر اماکن عمومی شناسائی شده و توسط نیروی انتظامی پلمپ شدند.»

مدارس خودگردان مکانی است خصوصی مثل زیرزمین یا سوله که در آن به بچه های افغانی با کم ترین امکانات درس می دهند. کریمی، ادامه می دهد: «بیش تر مدارس خودگردان در شهرستان های استان های تهران، قم و فارس فعالیت داشتند که پس از شناسائی توسط نیروی انتظامی، تعطیل شدند.»

البته از این کودکان اتباع مجاز، مبلغی بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان به عنوان شهریه می گیرند و همین باعث می شود خانواده های فقیر و پر اولاد مهاجر، فرزندان خود را به جای مدرسه روانه بازار کار کنند. کودکان مهاجر افغانی، به دلیل گناه نکرده از تحصیل محروم مانده اند. آن ها نقشی در مهاجرت غیرقانونی پدران و مادران خود نداشته اند. این کودکان بازمانده از مدرسه و تعلیم و تربیت را در خیابان های شهر و چهار راه ها می بینیم. کودکان کار و خیابان در معرض انواع خشونت ها و تبعیض ها قرار دارند.

آیسسکو سازمان اسلامی، آموزشی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی است که توسط کنفرانس اسلامی از روی الگوی یونسکو تشکیل شده. در حالی که یونسکو از حق تحصیل همه کودکان بدون قید و شرط حمایت می کند، معلوم نیست چرا در این مورد سکوت کرده است؟

لحظه ای تصور کنیم که کشورهای اروپائی کودکان پناهندگان و مهاجران ایرانی را از مدرسه رفتن منع کنند، آیا جامعه و والدین کودکان پناهنده و ماجر ایرانی، در مقابل این تبعیض و بی حقوقی بزرگ سکوت می کنند؟

به گزارش وب سایت خبری خبرآنلاین، چهارشنبه ۱ دسامبر ۲۰۱۰، ۱۰ قوس [آذر] ۱۳۸۹، تقی قائمی، مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور از حضور سه میلیون پناهنده افغان در ایران خبر داده است. وی در مراسم شصتمین سالگرد تأسیس کمیسیون عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان با اشاره به تعداد تقریبی حضور دو میلیون افغان به صورت غیرمجاز در ایران، خاطرنشان کرد که «۹۷ درصد از جمعیت پناهندگان در داخل شهرها زندگی می کنند و از تمام تسهیلاتی که دولت برای اتباع ایرانی فراهم می کند استفاده می کنند و سه درصد بقیه نیز بنا به درخواست خودشان در اردوگاه ها ساکن هستند.»

قائمی در سخنان خود مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته با رعایت استانداردهای بین المللی حدود پنج میلیون نفر را مورد حمایت خود قرار داده است. مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی در ادامه افزود سازمان های بین المللی باید شرایط بازگشت پناهندگان را به کشور های مبدا خود فراهم سازند.

تقی قائمی، در حالی از تسهیلات دولتی که در اختیار افغان ها و دیگر پناهنده های حاضر در ایران قرار گرفته سخن می گوید که به گزارش خبرگزاری های رسمی چهارصد هزار کودک افغانی از تحصیل در ایران محروم هستند. بر اساس گزارش وب سایت خبرآنلاین در ۹ مهر ماه ۱۳۸۹، اکرم خاتم، فعال حقوق کودکان از «سرگردانی» حدود ۴۰۰ هزار کودک افغان که از حق تحصیل محروم اند خبر داده است.

بنا به این گزارش پس از صدور مجوز تحصیل و لغو آن در سال های اخیر، مدت دو سال است که دولت اعلام کرده کودکان افغان با داشتن کارت «تردد» و با پرداختن شهریه می توانند به مدارس ایرانی راه پیدا کنند اما با شروع سال تحصیلی جدید برای تعداد زیادی از کودکان کارت صادر نشد.

اوایل سال جاری، جمال صبح خیز، سرپرست مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرگزاری مهر اعلام کرده بود این وزارتخانه در حال بررسی امکان راه اندازی مدارس افغانی ها در ایران است. او، در ادامه از توافق میان ایران و افغانستان برای تأسیس مدارس غیرانتفاعی مخصوص کودکان افغان خبر داد که این توافقنامه با موضع گیری فعالان حقوق کودک به دلیل رواج بیشتر «تبعیض» روبرو شده است.

مریم اسماعیلی، مسئول آموزش فعالان حقوق کودک معتقد است «طبق کنوانسیون بین المللی حقوق کودک، تحصیل برای همه کودکان از هر ملیت، قومیت، مذهب، جنسیت و ... اجباری است، از سوی دیگر وقتی که کودکان اعم از مهاجر و غیر مهاجر هم زبان اند، نباید آن ها را از هم جدا کرد زیرا باعث انزوای بیش تر آن ها خواهد شد.»

از سال ۱۳۸۵ به بعد ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان از سوی دولت ایران پذیرفته نمی شود و به همین خاطر زنان ایرانی پس از ازدواج با مرد افغان ناچار به زندگی در افغانستان می شوند. از سوی دیگر، فرزندان این ازدواج ها نیز از سوی دولت ایران پذیرفته شده نیستند و با نام «کودکان بی هویت یا بی شناسنامه» از صدور هرگونه مدرک هویتی برای آن ها خودداری می کنند. تنها راهی که برای ثبت هویت آن ها وجود دارد این است که تا ۱۸ سالگی در ایران زندگی کنند و منکر هویت افغانی خود شوند تا بتوانند به عنوان یک ایرانی از حقوق شهروندی خود بهره مند شوند.

ابراهیم اسماعیلی، وکیل و فعال حقوق کودکان در مرداد ماه سال جاری در گفتگویی با وب سایت «خبرآنلاین» اعلام کرد که ۳۲ هزار کودک بی شناسنامه که حاصل از ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه اند در وضعیت نامعلومی در ایران به سر می برند.

محمود موسوی، مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری فارس در سال ۸۵، با تأکید بر مجازات قانونی برای اتباع خارجی و ایرانی و خانواده آن ها که بدون اجازه دولت نسبت به ازدواج اتباع ایرانی با اتباع بیگانه اقدام کرده باشند تصریح کرده بود: «طبق قانون، هیچ مجوزی برای ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی صادر نمی شود و دولت هیچ تعهدی در قبال این گونه پیوندهای ناقص برعهده ندارد که باعث بی تکلیف ماندن فرزندان ناشی از این پیوندها می شود.»

آمار کودکان بی شناسنامه و محروم از حق تحصیلی که پدر افغانی دارند در ایران در حال افزایش است.

در مقابل این کشتار پناه جویان بی دفاع افغانی نباید سکوت کرد. افکار عمومی مردم جهان، نهادهای انسان دوست، سازمان های ضدفاشیست، احزاب سیاسی چپ و تشکل های کارگری و غیره باید بدانند که حکومت اسلامی ایران، نه تنها مردم را سرکوب و کشتار و اعدام و سنگسار می کند، بلکه حتی پناه جویان بی دفاع را نیز در مرز هایش به گلوله می بندد.

روشن است که هر انسان و نهاد و سازمان آزاده و انسان دوست و چپ، این برخورد جنایت کارانه و فاشیستی حکومت اسلامی با پناه جویان و مهاجران افغانی را باید صریحا محکوم کند و به دفاع همه جانبه از حقوق آنان برخیزد.

سه شنبه چهاردهم جدی [دی] ۱۳۸۹ - چهارم جنوری ۲۰۱۱

### **یادداشت:**

با ابراز امتنان خدمت همکار گرامی ما آقای "رحمانی" که شجاعانه بر شئونیزم عظمت طلبانه حاکم بر نگرش جم غفیری از قلم به دستان ایران، پا گذاشته و در حمایت بی دریغ از پناهندگان افغان پیشقدم شده اند، باید به عرض برسانیم:

برای ما نه برخورد "رژیم ولایت فقیه" دور از انتظار است و نه هم عکس العمل اداره مستعمراتی کابل. زیرا وقتی رژیم می مانند "رژیم ولایت فقیه" هر گوشه ای از کشور خودش را به گورستان های مخفی و لاله زارانی از سنخ "خاوران" مبدل نموده است و صدای هر اعتراضی را با قساوت "اشداء علی الکفار" پاسخ می گوید و هم چنان رژیم می مانند اداره مستعمراتی کابل در داخل افغانستان همه روزه به صد ها باشنده بینوای میهن ما را در زیر ساطور قصابان اشغالگر به مسلخ استعمار ناتو به قربانی می فرستد، نمی توان از آنها گله و یا انتظاری به غیر از آنچه انجام می دهند، داشت.

مشکل اساسی زمانی به وجود می آید که مردم دو کشور با تمام قرابت های خونی، تاریخی و فرهنگی و درناکتر از آنها نیروهای به اصطلاح چپ که شعار "انترناسیونالیزم پرولتری" را بیدک می کشند؛ در مقابل چنین جنایت آشکاری مهر سکوت به دهن زده، جنایات دولتمداران رژیم ولایت فقیه را محکوم نمی نمایند تا نکند بر شئونیزم ملیت فارس آسیبی وارد آید.

پورتال "افغانستان آزاد- آزادافغانستان" همان طوری که جنایات قیاس ناپذیر "رژیم ولایت فقیه" را در حق مردم ایران محکوم نموده تا حال در عمل علیه آن رژیم آدمخوار و قاتل به مبارزه پرداخته است، جنایات آن رژیم را علیه مردم افغانستان و مردمان منطقه نیز به شدت محکوم نموده ابراز می دارد:

برای ختم جنایت و بدبختی در منطقه باید ریشه های جنایت و بدبختی را از بین برد و آن چیزی نیست مگر موجودیت رژیم هائی از قماش "ولایت فقیه" و "اداره مستعمراتی" و "شرکاء و حامیان آنها در وجود کشور های اشغالگر امپریالیستی".

جنایتکاران، مزدوران، بانیان و حامیان متحد و مسلح آنها فقط می توان با توده های متحد و مسلح منطقه به جایگاه اصلی شان که زیاله دان تاریخ است، فرستاد.

به امید آرزو

اداره پورتال AA-AA